

(مقاله مروری)

چشم اندازهای اخلاقی عدالت زیست محیطی در کشاورزی ارگانیک و عملی

دکتر محمدباقر آرایش*

گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

چکیده

زمینه: عدالت زیست محیطی یک مفهوم چالش برانگیز در ارتباط با روند توسعه کشاورزی است به این دلیل که موقعیت منافع اجتماعی و زیست محیطی در تضاد با لیبرالیسم بازار و رشد اقتصادی است. با توجه به اینکه محیط طبیعی، مشترک بین همه موجودات می باشد، عدالت زیست محیطی با مفهوم رعایت «انصاف» در مواجهه با محیط زیست مرتبط می باشد. کشاورزی ارگانیک یک موقعیت پیشرفته با توجه به عدالت زیست محیطی است، چرا که به برقراری راه های تعامل با محیط طبیعی کمک می کند. اما با این حال عدالت زیست محیطی هم چالش های قابل توجهی را با کشاورزی ارگانیک دارد. در این مطالعه به بررسی جایگاه عدالت زیست محیطی در چالش های جهانی کشاورزی ارگانیک با نگاه اخلاقی و عملی و نیز چگونگی همگرایی و مصالحه بین عدالت زیست محیطی و فعالیت های ارگانیک توجه شده است.

نتیجه گیری: کالایی گرایی عامه مردم، محیط خارجی و هزینه های اجتماعی سه چالش اساسی هستند که در بازارهای مصرف، تجارت از راه دور و نظام مالکیت غذایی ارگانیک به حساب آورده نمی شوند. ایده عدالت زیست محیطی را می توان از طریق اجرای کامل عدالت زیست محیطی در صدور استانداردهای گواهینامه های ارگانیک، توسعه تجارت عادلانه ارگانیک، تشویق کشاورزی بدون گواهینامه استاندارد به رعایت اصول ارگانیک به عنوان راهبرد جایگزین در نزد جوامع محلی و امنیت غذایی، بوسیله حمایت از کشاورزی ارگانیک به عنوان یک نمونه جایگزین جهت اجرای وسیع عدالت زیست محیطی در کشاورزی و جامعه با استفاده از کشاورزی ارگانیک ترویج نمود.

کلید واژگان: کشاورزی ارگانیک، عدالت زیست محیطی، اخلاق

سر آغاز

اخلاقی باید به گونه ای انجام شود که امکان استفاده نسل های آینده از محیط زیست و منابع طبیعی آن را به منظور تولید غذای کافی و سالم به خطر نیندازد (2). اخلاق کشاورزی و زیست بومها، یک حوزه بین رشته ای و در حال رشد در اخلاق کاربردی محسوب می شود که به ارزش ها و مسائل اخلاقی در کشاورزی و تولید غذا می پردازد و تلاش دارد تحلیل های اخلاق فلسفی را با چالش های برآمده از مسائل خاص نظام کشاورزی ادغام نماید (3).

کشاورزی ارگانیک¹ به مجموعه عملیاتی گفته می شود که با هدف کاهش مصرف نهاده های غیرطبیعی به اجرا درمی آید و به دنبال استفاده بهتر از منابع طبیعی بوده به طوری که به محیط آسیمی نرسانده و استفاده از کالاهای غیرقابل احیاء را که به

بحران جمعیت و محدودیت منابع، کشاورزی سنتی را به سوی کشاورزی صنعتی و تکنولوژیک سوق داده است. تأثیر نامطلوب و اثرات باقیمانده مصرف انواع کودهای شیمیایی، سموم و از این قبیل در تولیدات غذایی موجب شده است کشاورزی درجهتی متضاد با روش مدرن تحول یابد و فرهنگ جلوگیری از مصرف هرگونه مواد شیمیایی یا نهاده های مصنوعی انسان در تولیدات بخش محصولات زراعی، باغی، و دامی مد نظر قرار گیرد. این کشاورزی به کشاورزی ارگانیک موسوم است و در کشورهای مختلف به نام های گوناگون چون کشاورزی بیولوژیکی، کشاورزی پایدار، کشاورزی نوین، و کشاورزی با مصرف کم مواد شیمیایی نامیده شده است (1). همچنین، کشاورزی از نظر

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: Arayesh @ ilam-iau.ac.ir

پایداری و کشاورزی ارگانیک:

تاکنون سه چشم‌انداز غالب از پایداری کشاورزی توسط گروه‌های مختلف با دیدگاه‌ها و نگرش‌های متفاوت مورد استفاده قرار گرفته است (10). پایداری با عنوان «کفایت تغذیه⁵» با توجه به نرخ رشد جمعیت، در خصوص تأمین نیازهای غذایی بخش‌های مختلف جامعه صحبت می‌کند. کشاورزی به مثابه «نظارت⁶» رسالت ایجاد تعادل بین زیست‌بوم‌ها را در جریان تولید کشاورزی برعهده دارد. کشاورزی به‌عنوان «جامعه⁷» نگران به هم خوردن تعادل زیست‌بوم‌ها و در عین حال علاقمند به بهبود و ترقی فرهنگ منسجم روستایی است. در این تلقی از پایداری، توجه به تلاش‌های فرهنگی، درست به اندازه تولید علم، ارزش‌های نظارت، خودتکایی⁸، انسانیت و تواضع⁹ اهمیت دارد. در این قالب و برداشت از پایداری، می‌توانیم اشکال مختلف کشاورزی سنتی و کشاورزی مدرن ارگانیک که در درون جوامع شکل گرفته است را پیدا کنیم. فقط دو نوع برداشت و معنا از پایداری کشاورزی وجود دارد. کفایت منابع و یکپارچگی کارکردی¹⁰. کفایت منابع یک رویکرد «کمی‌گرایانه» است که بر چگونگی تحقق نیازهای حال و آینده بشر برای مواد غذایی و نیز چگونگی اندازه‌گیری و محاسبه بهره‌برداری از منابع کنونی و نیازهای آیندگان بر مبنای روابط میان نهاده‌ها و ستاده‌های سیستم متمرکز می‌باشد. در این دیدگاه محیط زیست و طبیعت جدای از انسان‌ها و جوامع در نظر گرفته شده‌اند (11). اما در دیدگاه یکپارچگی کارکردی، انسان‌ها به‌عنوان جزء لاینفک طبیعت و محیط زیست تلقی می‌شوند (12). در قالب این دیدگاه، انسان‌ها و اشکال طبیعی سامانه‌های اجتماعی و زیست محیطی نظیر خاک، دام، گیاه، زیست‌بوم، ارزش‌های فرهنگی و سازمان‌های فرهنگی باید بازآفرینی شوند. در رابطه با عدالت زیست محیطی، یکپارچگی عملکردی، کارکرد سیستم را به‌عنوان یک کل در نظر می‌گیرد، در حالی که عدالت زیست محیطی مربوط به افراد در سیستم و ارتباط آنها با سیستم می‌باشد (13).

محیط زیست آسیب وارد می‌کنند و یا به کشاورزان و مصرف‌کنندگان صدمه می‌زنند را کاهش دهد (5 و 4). فدراسیون بین‌المللی جنبش کشاورزی ارگانیک²، هدف اصلی خویش را سازگاری جهانی با اصول کشاورزی ارگانیک در ابعاد زیست‌بوم‌ها، اقتصادی و اجتماعی بیان نموده است. اما در همان زمان، همانند جریان بخش کشاورزی، کشاورزی ارگانیک با روند رو به رشد جهانی شدن و چالش‌های توسعه پایدار مواجه بوده است. روند فعلی جریان بخش کشاورزی، جریان اصلی پیامدهایی برای ارزش‌های اجتماعی و زیست محیطی جوامع به‌دنبال خواهد داشت. رعایت ملاحظات و استانداردهای ارگانیک در مناطق مختلف، محیط امن و پایداری را برای آنها در زمینه‌های تنظیم کودها، آفت‌کش‌ها، مهندسی ژنتیک، افزودنی‌ها و رفاه حیوانات فراهم ساخته است (6). اصل عدالت³ می‌گوید که «کشاورزی ارگانیک باید بر مبنای تضمین عدالت با توجه به محیط زیست مشترک برای انسان‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های زندگی یکسان برای انسان‌ها استوار شود». این اصل به مفهوم عدالت زیست محیطی اشاره می‌کند که موضوع مورد توجه دو دهه اخیر در زمینه بهره‌گیری عادلانه از منابع بوده است (8، 9 و 7). عدالت زیست محیطی⁴ یک مفهوم چالش برانگیز است که ارتباط نزدیکی با توسعه کشاورزی ارگانیک دارد. به این معنا که علائق زیست محیطی و اجتماعی را در مقابل لیبرالیسم حاکم بر بازار و رشد اقتصادی قرار می‌دهد و ممکن است راه‌هایی برای مقاومت در برابر فشارهای جهانی شدن بازار و تحولات ساختاری و فن‌آورانه فعلی پیشنهاد نماید. مهم‌ترین سئوالاتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: معنا و مفهوم عدالت زیست محیطی چیست؟ چگونه این ایده در برابر فشارهای جهانی شدن مقاومت می‌کند؟ چگونه عدالت زیست محیطی در ارتباط با تولید و تجارت محصولات ارگانیک باید اجرا شود؟ و چگونه کشاورزی ارگانیک می‌تواند با عدالت زیست محیطی در یک چشم‌انداز جهانی مشارکت نماید؟

عدالت زیست محیطی بعنوان یک مفهوم اخلاقی

واژه اخلاق به معنای اقتدار رسوم و سنت و باورداشت های فرهنگی فرد است (14). واژه عدالت زیست محیطی، دامنه وسیعی از اخلاق زیست محیطی از قبیل برقراری عدالت میان انسان ها و حفظ طبیعت و همچنین نسل فعلی و آینده را در برمی گیرد. عدالت محیطی به توزیع عادلانه محیط خوب و بد برای انسان ها اشاره می کند (15). اخلاق محیطی و زیست محیطی در قالب اخلاق زیست محیطی قرار می گیرند که توسعه و ترویج اخلاق را فراتر از انسان ها می داند (16).

با توجه به اخلاق زیست محیطی، هم عدالت محیطی و هم زیست محیطی در برگرفته یک نظام جامع اخلاقی هستند که در آن نگرانی اخلاقی برای افراد جامعه شامل یک نگرانی برای بخش هایی از محیط زیست خود می باشد که برای زندگی و رفاه خویش به آن وابسته اند (8). اگر چه آنها تمرکز مشترکی بر موضوعاتی نظیر محیط، محیط زیست و عدالت زیست محیطی دارند اما در گسترش و توسعه دغدغه های اخلاقی و انصاف تفاوت هایی دارند. به این معنا که دغدغه اصلی در رهیافت های عدالت محیطی محدود به اخلاق انسانی است، در حالی که حیطه عدالت زیست محیطی گسترده تر بوده و دغدغه های اخلاقی طبیعت غیر انسانی را نیز مدنظر دارد (9). عدالت زیست محیطی به سمت نهادینه کردن اخلاق در مورد حیوانات، دیگر موجودات زنده، زیست بومها و دیگر نظامها گسترش یافته است (13).

در موافقت با قلمرو اخلاقی گسترده تر عدالت زیست محیطی، باید توجه داشته باشت که این مفهوم دارای پیامدهایی برای رفاه حیوانات می باشد. توزیع عادلانه محیط طبیعی، از دغدغه های موجود در زمینه بیان رفتار طبیعی که مشخصه اصلی کشاورزی ارگانیک است حمایت می کند (17 و 8). این نکته حائز اهمیت است که ترویج اخلاق در مورد حیوانات، موجودات زنده و زیست بومها به این معنا نیست که آنها به لحاظ اخلاقی مهم تر از انسان ها و یا افراد دیگر هستند.

عدالت در عدالت زیست محیطی

در نظریه های سیاسی، عدالت به عنوان توزیع عادلانه کالاهای اجتماعی تعریف شده است. منظور از عدالت سیاسی آن است که

امور کشور به گونه ای شایسته اداره شود تا مردم در فضایی عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، بی تردید تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود (18).

در یک تحقیق انجام شده، سه مفهوم به رسمیت شناختن، توزیع برابر و رویه های مشارکتی به عنوان مفاهیم عدالتی ارائه شده اند (11). در عدالت محیطی مبتنی بر «توزیع برابر»¹¹، مفهوم عدالت فقط متمرکز بر توزیع پول و یا رفاه نیست بلکه تمرکز اصلی بر روی توزیع کیفیت محیط زیست، عدم تحمیل آسیب و صدمات به آن و دسترسی به فرصت های یکسان در رابطه با محیط زیست می باشد (9). عدالت به عنوان «به رسمیت شناختن»¹² به معنای برخورداری از حقوق برابر و مالکیت به محیط و به رسمیت شناختن ارتباط بین جامعه و مکان است. عدالت به مثابه «مشارکت»¹³ مستلزم آن است که افراد و جوامع به محیطی که در آن زندگی می کنند، توجه داشته باشند و در آن محیط رویه های دموکراتیک برای مشارکت در زمینه هایی نظیر بی عدالتی های زیست محیطی و تصمیم گیری های ضروری وجود داشته باشد (11).

اجزاء سه گانه مفهوم عدالت را می توان به خوبی برای درک عدالت زیست بومها به کار گرفت. اما از دیدگاه اخلاقی، تعدادی از نکات مهم وجود دارد. اولین نکته این است که مسئولیت پذیری اخلاقی به موجودات خودآگاه محدود می شود. در چارچوب اخلاق محیطی، باید میان عوامل اخلاقی انسانی که قادر به انجام اقدام اخلاقی، قبول مسئولیت های اخلاقی و موضوعات اخلاقی هستند و دیگر افراد تمایز قائل شد. حیوانات و زیست بومها نمی توانند به عنوان عوامل اخلاقی تلقی شوند. اما انسان ها، سازمان ها، شرکت ها و دولت ها می توانند عوامل اخلاقی باشند (17 و 14).

نکته مهم دوم آن است که بیشتر از عدالت زیست محیطی توزیع و گسترش خطرات و گزینه های شناخته شده حائز اهمیت است. اول از همه، زیست بوم گرایی مستلزم آن است که موجودات به لحاظ اخلاقی فرصت کافی برای حیات، رشد و بالندگی همزمان با محیط طبیعی را داشته باشند (13). به رسمیت شناختن این موجودات و هویت های آنان کاملاً متفاوت با ایده های توزیعی

توجه به مقوله عدالت زیست محیطی، پیامدهای خارجی می‌توانند به سه شکل (اثرگذاری محلی بر زندگی شغلی روز مره مردم، مکان یابی آسیب‌های محیطی از قبیل مکان‌های تخلیه زباله، صنایع مضر، صادرات زباله و جهانی شدن صدمات محیطی از قبیل تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه اوزون، آلودگی جهانی محیط زیست با فلزات سنگین و دیگر مواد مضر دائمی) به محیط طبیعی و زیست بوم‌ها آسیب برسانند(21). کالایی گرای سیستم‌های غذایی یک منبع رایج از پیامدهای خارجی می‌باشد. هزینه‌های بیرونی کشاورزی نظیر هزینه‌های تنوع زیستی و آلودگی اغلب ناشی از اقدامات کشاورزی بر مبنای تولید اقتصادی کشاورزی می‌باشد. تلاش برای رشد روزافزون فروش در بازار محصولات کشاورزی از دیگر هزینه‌های بیرونی تلقی می‌شوند. موسسات و سازمان‌های فراملی¹⁵ قوانینی وضع می‌کنند که در قالب آن‌ها، تولیدات کشاورزی به منظور جلوگیری و یا کاهش پیامدهای بیرونی مورد کنترل دقیق قرار می‌گیرند (17). در یک مطالعه میدانی 4 راهکار را برای اعمال تنظیم بازار بر مبنای توسعه پایدار ارائه شده است(22). برچسب‌های زیست محیطی روی کالاها، تغییر مالیات‌ها، تغییر یارانه‌ها و مجوزهای قابل مبادله. تغییر مالیات‌ها، تغییر یارانه‌ها و مجوزهای قابل مبادله ابزاری اقتصادی برای درونی نمودن هزینه‌های بیرونی در بازار می‌باشند که می‌توانند پیامدهای خارجی را کاهش و درآمدی ایجاد نمایند که می‌تواند برای پرداخت هزینه‌های خارجی استفاده شود. صدور گواهی‌های استاندارد زیست محیطی برای تولیدات کشاورزی ممکن است به عنوان راه کاری برای تحقق بخشیدن به عدالت زیست در تجارت از راه دور و یا نظام‌های غیر محلی غذایی در سطوح منطقه ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند (23). ایده محلی گرایی هنوز هم نقش عمده ای در نهضت ارگانیک داشته و دارد. طرح‌های اولیه و پیشگام کشاورزی که در نهایت به کشاورزی ارگانیک منجر شدند، عمدتاً نظام‌های محلی بودند که تمرکز اصلی آنها بر خاک زنده و اهمیتش در تولیدات کشاورزی بود. نظام‌های کشاورزی محلی با توجه به روابط نزدیک میان مالکان، کارگران و مصرف کنندگان شناسایی می‌شوند (نگاره 1).

عدالت است. دوم این که، تنوع قابل توجه موجودات، امکان اعمال سیاست‌های توزیعی عقلانی قابل مدیریت، را فراهم می‌کند (18).

به عنوان جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت که عدالت زیست محیطی ناظر به سوگیری‌های ضروری در ارتباط با مسئولیت پذیری اخلاقی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط زیست است. در شرایطی که موجودات زنده، و سیستم‌های اجتماعی می‌تواند از عوامل ترویج اخلاق باشند، گسترش یافتن دامنه عدالت و انصاف به سوی حیوانات، سیستم‌ها و سایر موجودات زنده، وجود تفاوت‌های اخلاقی در نزد افراد، حیوانات و گیاهان و نیز ظرفیت‌های مختلف برای مشارکت در زمینه‌های اخلاقی همگی نشان دهنده آن است که باید به شکلی متفاوت رفتار شود.

چالش‌های کشاورزی ارگانیک: کالای‌گرایی¹⁴،

پیامدهای خارجی و تجارت از راه دور

عدالت زیست محیطی یک مفهوم چالشی در ارتباط با توسعه ساختاری، فنی و جهانی کشاورزی ارگانیک می‌باشد. به طور اخص، عدالت زیست محیطی می‌تواند از جنبه‌های کالایی گرایی عامه مردم، پیامدهای خارجی و هزینه‌های اجتماعی - محیطی، تجارت از راه دور و مالکیت در طول جهانی شدن با روندهای جاری مرتبط باشد.

رویکرد کالایی گرایی عامه مردم می‌تواند منجر به پیامدهایی نظیر بهره برداری نامناسب محیط و بی‌عدالتی زیست محیطی از طریق تضعیف نظام‌های پایدار متداول و اثرات منفی بر روی بهره‌گیری از فرصت‌های زندگی برای ساکنان محیط گردد. موضوعات پیامدهای خارجی و تجارت از راه دور ممکن است به مسائل کالایی شدن اضافه شوند اما آنها ممکن است به تنهایی نیز مساله ساز باشند. این مفهوم امروزه در یک گستره بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد که شامل جنگل‌ها، منابع آبی، سواحل ماهیگیری و ... می‌باشند(20 و 19).

اصطلاح پیامد خارجی، یک اصطلاح خارجی است که به هزینه‌های تولید اشاره دارد که در بازار پرداخت نمی‌شوند. با

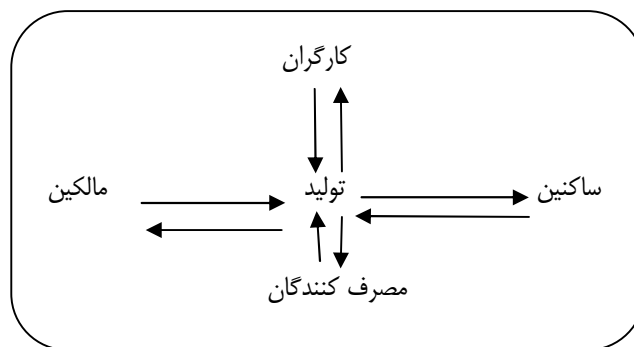
طریق عوامل واسطه و تجهیزات مختلف در دنیا جابجا می‌شوند و کشاورزی مدرن بر محیط‌های بین‌المللی همانند محیط‌های محلی به دلیل رشد فن‌آوری و افزایش نهاده‌ها و سطوح گسترده تولید تأثیر گذاشته‌اند (24). کشاورزی متعارف، از اقتصاد جهانی جدایی ناپذیر است. روش‌های زیادی وجود دارند که در آنها فعالیت‌های کشاورزی و ستاده‌های آن با توجه به الزام‌های مربوط به جهانی شدن صورت می‌گیرند که از آن جمله می‌توان به فن‌آوری، بازارها، حمل و نقل بین‌المللی، فعالیت شرکت‌های چند ملیتی اشاره نمود. مرکز و شالوده این جریان، نقش تجارت بین‌الملل به‌عنوان محرک کالایی‌گرایی ارزش‌های محیطی و اجتماعی، منابع و خدمات می‌باشد (25 و 11).

اعمال عدالت زیست محیطی در فعالیتهای ارگانیک

چندین روش مختلف وجود دارند که در آنها، نهضت ارگانیک می‌تواند ایده عدالت زیست محیطی را در ارتباط با تولید و تجارت ارگانیک اجرا نماید از آن جمله می‌توان به کشاورزی ارگانیک گواهی شده، کشاورزی ارگانیک گواهی نشده و نیز کشاورزی ارگانیک به‌عنوان بدیل کشاورزی متعارف اشاره نمود. هنگام ارزیابی مزایای بالقوه و مشکلات رشد جهانی کشاورزی ارگانیک در ارتباط با مؤلفه‌های عدالت زیست محیطی نیاز اساسی به تشخیص تفاوت کشاورزی ارگانیک تأیید شده و تأیید نشده احساس می‌شود. محصولات ارگانیک تأیید شده با محصولات متعارف در بازارهای منطقه ای و جهانی رقابت می‌کنند، با این وجود سطوح تولید ارگانیک معمولاً پایین‌تر از حد معمول می‌باشد و بر اساس انتخاب مصرف‌کننده و قیمت‌های تعیین شده می‌باشند. کشاورزی ارگانیک تأیید نشده یک اصطلاح برای نظام‌های کشاورزی است که براساس مؤلفه‌ها و اقدامات مشابه کشاورزی ارگانیک قرار دارند اما برای بازار مصرف محلی بر مبنای روابط نزدیک هدف گذاری شده‌اند. این محصولات مناسب فروش و بازارهای از راه دور نیستند (26).

در نظام‌های محلی که برای خودکفایی طراحی شده‌اند، مالکان، کارگران، مصرف‌کنندگان، افراد یکسانی تلقی می‌شوند (17).

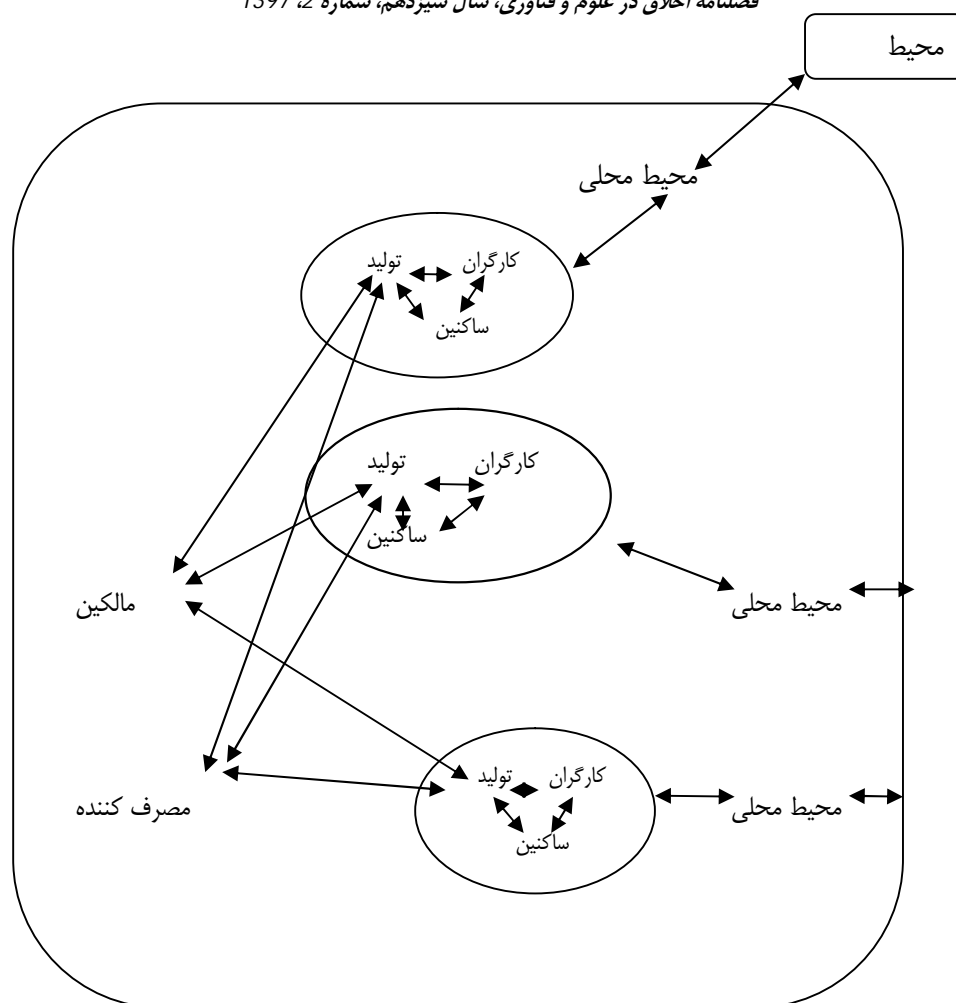
محیط محلی



نگاره 1. نظام‌های غذایی محلی (17)

در ارتباط با واژه‌های «دوری» و «نزدیکی» مراحل زیادی در دامنه بسیار محلی تا نظام‌های بین‌المللی وجود دارد. محلی‌گرایی و مبادلات بازار، گام اول است. در این زمینه تبادلات بازار خود یک فاصله معرفی می‌کند چرا که بازار خود مشوق‌های بسیار قوی در مورد تعدیل هزینه‌های بیرونی زیست محیطی و اجتماعی ارائه می‌کند. لذا اغلب پیامدهای بسیار ضعیفی برای بازارهای محلی دارد به این دلیل که مردم به خوبی آگاه هستند که چگونه محصولات محلی ارائه می‌شوند. آنها می‌توانند محصولات را به‌طور مستقیم ببینند و تجربه نمایند و بنابراین دارای کانال‌های ارتباطی دیگری غیر از بازار می‌باشند. نمونه‌های این نوع نظام‌های غذایی محلی هنوز هم در برخی کشورهای در حال توسعه یافت می‌شوند. این در حالی است که در کشورهای صنعتی فقط به سیستم‌های غذایی اصلی واکنش مثبت نشان داده می‌شود که از آن جمله می‌توان به کشاورزی جامعه محور، نهضت توزیع غذا و کشاورزی زیست محیط محور اشاره نمود (18).

رفع موانع تجارت از راه دور و مالکیت‌های خصوصی همگام با جهانی شدن به افزایش نظام‌های غیرمحلی منجر شده است (نگاره 2). در تجارت بین‌المللی، مصرف‌کنندگان به لحاظ فیزیکی فاصله زیادی با مراکز تولید دارند و به‌طور طبیعی، مالکان هم از محصول دور می‌باشند و محصولات تولیدی از



نگاره 2. نظام‌های غذایی غیر محلی (11)

گواهینامه‌های ارگانیک

به طور اخص، فشارهایی برای مخفی نمودن اطلاعات در فرایند تولید و عدالت زیست محیطی بدون پیش زمینه واقعی وجود دارد. فشارهایی که در مقابل اهداف حمل و نقل در تجارت تأیید شده عمل می‌کنند. این سازوکارها بدون نگرانی از فرایند تولید توسط اهداف بین المللی رقابت آزاد، اعمال می‌شوند. یک تهدید واقعی آن است که ممکن است این فشارها، اساس و پایه کشاورزی ارگانیک را ریشه کن نماید. نگرانی دیگر این است که بازارهای جهانی معمولاً ناپایدار هستند و بر روی کاهش امنیت سرمایه‌گذاری کشاورزی اثرگذار هستند. مشخصه این بازارها آن است که دادو ستدهای بزرگ مقیاس را جایگزین مزارع کوچک مقیاس می‌نمایند (24).

اصول و استانداردهای تولید کشاورزی در پاره‌ای از مواقع، جنبه‌هایی از عدالت اکولوژیک را برای ساکنین محلی، دام‌ها، تنوع زیستی و حیات وحش را به مرحله اجرا در می‌آورد.

شناسایی محصولات ارگانیک از طریق ارائه برچسب‌های زیست محیطی به شکل گیری گزینه‌های متعدد در بازار منجر می‌شود و به مصرف کننده کمک می‌کند که بر مبنای سلیقه خویش خرید نماید. با این وجود چالش‌های مهمی در مورد اجرای عدالت زیست محیطی و کشاورزی ارگانیک تأیید شده وجود دارد. اول این که، همه محصولات تجاری ارگانیک نیازمند تأیید به‌وسیله سازمان تجارت جهانی می‌باشند و بر آن اساس محصولات ارگانیک از محصولات غیر ارگانیک متمایز می‌شوند. هنگامی که محصولات ارگانیک در بازار با دیگر محصولات رقابت می‌کنند، آنها شرایط اقتصادی متفاوت و فشارهایی را در بازار آزاد وجود دارد را تجربه می‌کنند (24، 27).

توجه داشت که تجارت عادلانه تمرکز بیشتری بر روی جنبه‌های سنتی عدالت اجتماعی دارد و لذا نمی‌تواند همه جنبه‌های اجتماعی مکمل را در زمینه عدالت زیست محیطی که بر پایه رعایت انصاف در محیط‌های طبیعی استوار است را پوشش دهد. کشاورزی تأیید نشده، ممکن است به‌عنوان راه حل جایگزین برای رسیدن به امنیت غذایی پایدار زیست محیطی، توصیه شود. رهیافت‌های کشاورزی مبتنی بر ارزش‌ها و اصول کشاورزی پایدار و یا ایده‌های کشاورزی پایدار کم‌نهاد که به‌عنوان نظام‌های ارگانیک تأیید نشده به حساب می‌آیند، جایگزین مناسبی برای کشاورزی با نهاده‌های بالا، تجاری و انقلاب سبز در تامین امنیت غذایی پایدار هستند (6). ضمن این که این نظام‌ها بیشتر معتقد به رعایت عدالت زیست محیطی هستند و هزینه‌های زیست محیطی کمتری را به دنبال دارند (30). حتی آنها ممکن است بیشتر از کشاورزی ارگانیک تأیید شده با اصول ارگانیک تناسب داشته باشند. در حال حاضر، افق‌های جدیدی تحت عناوین توسعه اجتماعات زیست محیطی تأیید نشده و کشاورزی ارگانیک جامعه - محور فراروی کشاورزی ارگانیک قرار دارد که همگی آنها متعهد به رعایت عدالت زیست محیطی در فعالیت‌های خویش هستند (8). تحقق وعده‌های داده شده در قالب شیوه‌های محلی نیازمند حمایت از توسعه تحقیقات مشارکتی و خدمات ترویجی است که اهداف پایداری و عدالت زیست محیطی را مد نظر قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله نقش عدالت زیست محیطی در مواجه شدن با چالش‌های کشاورزی ارگانیک مورد بررسی قرار گرفت. مهم‌ترین سوالاتی که مورد توجه بودند عبارت بودند از اینکه: معنا و مفهوم عدالت زیست محیطی چیست؟ چگونه می‌توان عدالت زیست محیطی را در ارتباط با تولید و تجارت ارگانیک به کار برد؟ و چگونه کشاورزی ارگانیک در یک چشم‌انداز بین‌المللی با عدالت زیست محیطی در هم می‌آمیزند. در این مطالعه سه چالش اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت: کالایی‌گرایی عامه مردم، محیط خارجی و هزینه‌های اجتماعی که در بازارهای مصرف، تجارت از راه دور و نظام مالکیت غذایی

پیامدهای محیطی خارجی مرتبط با فرایند توزیع کالا، کمتر استانداردها را رعایت می‌کنند. یک مسأله کلیدی مرتبط با جهانی شدن کشاورزی این است که حمل و نقل کالاهای ارگانیک تولید شده و پیامدهای خارجی مرتبط با آن، تحت پوشش نیستند. با این وجود باید اذعان داشت که هدایت رشد کشاورزی ارگانیک به دلیل ناهمگونی و ماهیت پویای آن به تنهایی از توسط راه‌های استاندارد امکان‌پذیر نیست (25). آرمان‌های عدالت زیست محیطی نیازمند تطابق با معیارهای نهضت ارگانیک می‌باشد. اصولی که به‌طور واضح به‌عنوان آرمان‌های عدالت زیست محیطی مطرح شدند، می‌توانند به‌عنوان راهنمای فعالیت‌های کشاورزی ارگانیک تأیید نشده، قلمداد شوند (28).

تجارت عادلانه و ارگانیک و روش‌های کشاورزی

ارگانیک تأیید نشده¹⁶

اجرای عدالت زیست محیطی شامل سوالات متعدد در زمینه کالایی‌گرایی عامه مردم است که یک چالش اساسی برای نظام‌های مبتنی بر بازار می‌باشد و لذا به‌طور عام عدالت تحت عناوین شناخت، توزیع و شراکت با محیط زیست مشترک تعریف می‌شود. امروز شناخت گسترده‌ای از چگونگی زندگی مسالمت‌آمیز دام‌ها و حیوانات با محیط طبیعی در کشاورزی ارگانیک وجود دارد. برای انسان‌ها برخی ملاحظات اجتماعی و نه همه آنها، در استانداردهای ارگانیک رعایت شده‌اند. تأیید تجارت‌های مبتنی بر عدالت یک نمونه شناخته شده از اشکال جایگزین تجارت است که دارای پتانسیل فعالیت در شبکه‌های غذایی جهانی در ارتباط با تجارت از راه دور است که به سمت مؤلفه‌های عدالت زیست محیطی حرکت می‌کند. تجارت عادلانه بیشتر به سمت شرایط اجتماعی و هزینه‌های تولید سوق پیدا می‌کند اما فاقد ملاحظات زیست محیطی می‌باشد (29).

ما می‌توانیم به این مسأله فکر کنیم که نهضت تجارت عادلانه و ارگانیک به سادگی می‌تواند توان خود را با ایده‌های اجتماعی و زیست محیطی ترکیب نمایند و استانداردهای آنان می‌توانند اصول عدالت زیست محیطی را به کار گیرند. علاوه بر این باید

به عدالت زیست در تجارت از راه دور و یا نظام های غیر محلی غذایی در سطوح منطقه ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند. در حال حاضر افق های جدیدی تحت عناوین توسعه اجتماعات زیست محیطی تأیید نشده، کشاورزی ارگانیک جامعه محور فراروی کشاورزی ارگانیک قرار دارد که همگی آنها متعهد به رعایت عدالت زیست محیطی در فعالیتهای خویش هستند.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Organic agriculture کشاورزی ارگانیک
2. The international federation for organic agriculture Movement فدراسیون بین المللی جنبش کشاورزی ارگانیک
3. Justice عدالت
4. Ecological Justice عدالت زیست محیطی
5. Sustainability as food sufficiency پایداری به مثابه کفایت تغذیه
6. Sustainability as stewardship پایداری به مثابه نظارت
7. Sustainability as Community پایداری به مثابه جامعه
8. Self-Reliance خوداتکایی
9. Holism تواضع
10. Functional integrity یکپارچگی کارکردی
11. Justice as equitable distribution عدالت مبتنی بر توزیع برابر
12. Justice as recognition عدالت مبتنی بر به رسمیت شناختن
13. Justice as participation عدالت مبتنی بر مشارکت
14. Co modification of Commons کالایی گرایی
15. Ultra national organizations سازمان های فراملی
16. Non-Certified organic farming روش های کشاورزی ارگانیک تایید نشده

ارگانیک به حساب آورده نمی شوند. ایده عدالت زیست محیطی را می توان در سه راه با استفاده از کشاورزی ارگانیک ترویج نمود: به وسیله اجرای کامل عدالت زیست محیطی در صدور استانداردهای گواهی نامه های ارگانیک و توسعه تجارت عادلانه ارگانیک، با تشویق کشاورزی بدون گواهی نامه استاندارد به رعایت اصول ارگانیک به عنوان راهبرد جایگزین در نزد جوامع محلی و امنیت غذایی، و بوسیله حمایت از کشاورزی ارگانیک به عنوان یک نمونه جایگزین جهت اجرای وسیع عدالت زیست محیطی در کشاورزی و جامعه.

عدالت زیست محیطی به معنی به رسمیت شناختن ارزش هایی یک محیط برای همه موجودات است. محیط تنها از انسان ها تشکیل نشده، بلکه در بر گیرنده طبیعت غیر انسانی با تمام تنوع و فراوانی آن، حیوانات و گیاهان، چشم اندازها و زیست بومها می باشد.

کشاورزی ارگانیک تأیید شده، یک شکل ثابت سازمانی برای اجرای آرمان های زیست محیطی (و در نتیجه عناصر عدالت زیست محیطی) در سیستم های جهانی غذایی است. اما استانداردهای کنونی هنوز هم با چالش های کالایی گرای عامه مردم، پیامدهای خارجی و تجارت از راه دور مواجه هستند. تولید محصولات ارگانیک تأیید شده و تجارت آنها، می تواند به عنوان نمادی از سازمان هایی باشند که ممکن است عدالت زیست محیطی را در یک نظام تغذیه ای از راه دور و غیر محلی رعایت نمایند. شناسایی محصولات ارگانیک از طریق ارائه برچسب های زیست محیطی به شکل گیری گزینه های متعدد در بازار منجر می شود و به مصرف کننده کمک می کند که بر مبنای سلیقه خویش خرید نماید.

با توجه به اخلاق زیست محیطی، هم عدالت محیطی و هم زیست محیطی در برگیرنده یک نظام جامع اخلاقی هستند که در آن نگرانی اخلاقی برای افراد جامعه شامل یک نگرانی برای بخش هایی از محیط زیست خود می باشد که برای زندگی و رفاه خویش به آن وابسته اند. صدور گواهی های استاندارد زیست محیطی برای تولیدات کشاورزی، ممکن است به عنوان راه کاری برای تحقق بخشیدن

14. Bell D. (2004). Environmental justice and Rawls' difference principle. *Environ-Mental Ethics*; 26: 287-306.
15. Sayedi A, Paknejad E. (2016). The relationship between producers moral standards with consumer's behavior. *Ethics in Science & Technology*; 10(2): 1-12. (In Persian).
16. Haen H. (2000). Producing and marketing quality organic products: Opportunities and challenges. Germany: Proceedings of the Sixth IFOAM Trade Conference. International federation of organic agriculture movements. Available online at: http://www.FAO.Org/organic_g/doc/IFOAM.Html. Accessed: 8 Oct 2017.
17. Alroe HF, Kristensen ES. (2003). Toward a systemic ethic: In search of an ethical basis for sustainability and precaution. *Environmental Ethics*; 25(1): 59-78.
18. Cone CA, Myhre A. (2001). Community-supported agriculture: a sustainable alternative to industrial agriculture? *Human Organization*; 59: 187-97.
19. Jonas H. (1984). *The imperative of responsibility: In search of an ethics for the technological age*. Chicago: University of Chicago Press.
20. The Ecologist. (1993). *Whose common future? Reclaiming the commons*. London: Earth Scan Publications.
21. Volger J. (1995). *The global commons: A regime analysis*. UK: John Wiley and Sons.
22. Thompson PB. (1996). Sustainability as a norm. *Journal of the Society for Philosophy and Technology*; 2(2): 75-94.
23. Alroe HF, Kristensen ES. (2004). Why have basic principles for organic agriculture? And what kind of principles should they be? *Ecology & Farming*; 36: 27-30.
24. Davidson L, Agudelo, D. (2004). The globalization that went home: Changing world trade patterns among the G7 from 1980 to 1997. Available at: <http://www.bus.indiana.edu/ciber/research.cfm>. Accessed: 18 Jul 2016.
25. Alroe HF, Kristensen ES. (2005). Organic agriculture in a global perspective. Available online at <http://orgprints.org/3855>. Accessed: 15 Jul 2016.
26. Douglass GD. (1984). *The meanings of agricultural sustainability*. Boulder: Westview Press, Colorado.

Reference

1. Razeghi M, Shaabanali Fami H. (2011). Mechanisms of improve management of fertilizer use in Iran. Tehran: Iranian Fertilizer Challenges Congress: Half a Century of Fertilizer Use. (In Persian).
2. Abedi AS. (2014). Environmental ethics of extension agent. *Ethics in Science & Technology*; 9(3): 1-9. (In Persian).
3. Abedi AS. (2015). Explanation of agriculture ethics. *Ethics in Science & Technology*; 10(1): 73-84. (In Persian).
4. Azkia M, Emani A. (2012). *Sustainable rural development*. Tehran: Etelaat Press. (In Persian).
5. Ras PJ, Vermeulen, WJ. (2009). Sustainable production and the performance of south African entrepreneurs in a global supply chain: The case of south African table grape producers. *Sustainable Development*; 17: 325-340.
6. Rigby D, Bown S. (2003). *Organic food and global trade: Is the market delivering agricultural sustainability?* UK: University of Manchester.
7. DARCOF. (2000). *Principles of organic farming: Discussion document prepared for the DARCOF users committee*. Available at: <http://www.Darcof.dk/discuss/principles/pdf>. Accessed: 8 Oct 2017.
8. Lund V, Anthony R, Rocklinsberg H. (2004). The ethical contract as a tool in organic animal husbandry. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*; 17(1): 23 - 49.
9. Low N, Gleeson B. (1998). *Justice, society and nature: An exploration of political ecology*. London and New York: Routledge Publication.
10. Byrne J, Glover L, Martinez C. (2002). *Environmental justice: Discourses in international political economy*. London: Transaction Publisher, New Brunswick.
11. Schlosberg D. (2003). *The justice of environmental justice: Reconciling equity, recognition and participation in a political movement*. Cambridge: MIT Press.
12. Valentin A, Spangenberg JH. (2000). A guide to community sustainability indicators. *Environmental Impact Assessment Review*; 20: 381-392.
13. Baxter B. (2005). *A theory of ecological justice*. London and New York: Routledge Publication.

29. Reynolds LT. (2000). Re-embedding global agriculture: The international organic and fair trade movements. *Agriculture and Human Values*; 17: 297-309.
30. Scialabba N, Hattam C. (2002). *Organic agriculture, environment and food security*. FAO, Rome: Environment and Natural Resources Service, Sustainable Development Department.
27. Brown LR. (2002). Restructuring the economy for sustainable development. *International Review for Environmental Strategies*; 3(1): 73-80.
28. Goodpaster KE. (1979). *From egoism to environmentalism: ethics and problems of the 21st century*. Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.